

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

ریخت شناسی برخی از حکایت های تذکره الاولیاء

استاد راهنما

جناب آقای دکتر اکبری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر شکری

پژوهشگر

فاطمه حسنی

آبان ۱۳۸۹

پیشکش به:

آموزگار روشنایی

دکتر حسن اکبری بیرق

تقدیر و سپاس

خداوند منان را شاکرم که توفیق داد عمرگران مایه را در مصاحبت و دوست داری اهل فضل و خرد به سر برم. نخست سپاس ناتمامم را به ساحت گران قدر استاد راهنمای بزرگوایم جناب آقای دکتر اکبری عرضه می دارم که شفقت و مهربانی و احساس مسئولیتشان نسبت به دانشجویان حقیقتی انکار ناشدنی است و این پایان نامه بهانه ای بود تا به قدر توان ، از افاضات علم و اخلاق و معرفت ایشان بهره گیرم و نیز از استاد مشاور خوبم جناب آقای دکتر شکری سپاسگزارم.

هم چنین از پدر و مادر مهربانم که عشق به انسان ها را با گوشت و خونم سرشته اند. و همسر، سنگ صبور و مونس تنهایی ام و تنها پسر امیر حسین، که با من بزرگوایانه مدارا کرد و بخشی از خاطرات خوش کودکی اش را در این راه به من بخشید.

چکیده:

تحلیل ریخت‌شناسی قصه و حکایت، یکی از رویکردهایی است که در دهه های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این نگاه، که محصول توجه به شکل و ساختار آثار ادبی است، تأثیر متقابل مضمون بر صورت اثر و رابطه متقابل میان این دو مورد توجه قرار می‌گیرد. این نوع بررسی و تحلیل می‌تواند بر آثار ادبی کلاسیک هر زبان و ملیتی مترتب باشد و از منظر نقدها و نظریه‌های جدید امکان شناخت و ارزیابی مجدد این آثار را فراهم می‌کند. در این پایان‌نامه سعی شده است که کتاب «تذکره‌الاولیا» اثر ارزشمند عطار نیشابوری، شاعر و نویسنده قرن هفتم هجری، برای نخستین بار از منظر ریخت‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد.

در حکایات تذکره‌الاولیاء علی‌رغم وجود عناصر متغیر، بر اساس یک الگوی ساختاری کلی می‌توان گفت که در همه این حکایات ابتدا مشکلی رخ می‌دهد سپس یاریگر یا شیء جادو یا هر دو - که غالباً امور معنوی مانند دعا، توکل، نماز، صدقه و... را شامل می‌شود - موجب حل مشکل یا التیام کمبود می‌شوند؛ اما در واقع یاریگر نهایی خداوند است که کرامات اولیا نیز از جانب اوست. در نگاهی دقیق‌تر وضعیت آغازین طیفی از مشکلات و نیازهای مادی و معنوی را در برمی‌گیرد و وضعیت پایانی شامل ندامت شیرین، توبه‌وی، مجازات وی، بر طرف شدن مشکل یا برآورده شدن نیاز، ترک آرزوی نفس و ... می‌شود و دارای انواع متنوعی است.

این رساله مشتمل بر پنج فصل است که هر فصل ضمن پرداختن به موضوعی مستقل، مکمل دیگر فصل - ها نیز می‌باشد. فصل نخست به بیان کلیات موضوع اختصاص یافته است؛ در فصل دوم مبانی نظری پژوهش طرح و جریان‌های نقد ادبی که مرتبط با ریخت‌شناسی است معرفی می‌شود. در این نظریه‌ها، قوانین والگوها بر مبنای

نظریات پراپ^۱ تبیین شده است؛ در فصل سوم ضمن توضیح روش این پژوهش به معرفی اجمالی شیخ فریدالدین عطار و حکایت‌های کتاب تذکره‌الاولیا پرداخته‌ایم و در ادامه صد حکایت از این کتاب برگزیده شده است که در فصل چهارم مورد بررسی و تحلیل ریخت‌شناختی قرار می‌گیرند. در این بررسی، عناصر و سازه‌های موجود در ساختار این حکایات و قوانین حاکم بر آن و دستاوردهای آن همراه با جدول عناصروالگوه‌های کارکردی تبیین شده است

کلیدواژه‌ها: حکایت، ساختارگرایی، ریخت‌شناسی، عطار نیشابوری، تذکره‌الاولیاء

^۱ -Vladimir Takovleich Propp (۱۸۹۵-۱۹۷۰م)

فهرست مطالب:

چکیده..... ۵

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱) مقدمه.....

۱-۲) اهمیت و ضرورت تحقیق.....

۱-۳) بیان مسأله.....

۱-۴) پرسش‌های تحقیق.....

۱-۵) فرضیه‌های تحقیق.....

۱-۶) پیشینه پژوهش.....

۱-۷) روش تحقیق.....

فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

پیشگفتار: تاریخچه مسأله (ادبیات و نقد ادبی).....

بخش اول: ادبیات داستانی.....

۱-۱) قصه.....

۱-۲) داستان.....

۱-۳) حکایت.....

۱-۴) داستان کوتاه.....

بخش دوم: جریان‌های نظریه ادبی.....

- (۲-۱) فرمالیسم روسی.....
- (۲-۲) فردینان دوسوسور.....
- (۲-۳) ساختارگرایی.....
- (۲-۴) روایت‌شناسی ساختگرا.....
- (۲-۴-۱) ج. آ. گرماس.....
- (۲-۴-۲) کلود برمون.....
- (۲-۴-۳) تزوتان تودوروف.....
- (۲-۵) ریخت‌شناسی و پراپ.....

فصل سوم: عطار؛ زندگی، آثار و اندیشه

- بخش اول: معرفی عطار نیشابوری.....
- بخش دوم: آثار و افکار عطار.....
- بخش سوم: معرفی کتاب «تذکره‌الاولیا».....
- بخش چهارم: صد حکایت برگزیده از تذکره‌الاولیا.....

فصل چهارم: تحلیل ریخت‌شناسی صد حکایت برگزیده

- ۴-۱ خویشکاری‌ها.....
- (۴-۲) وضعیت آغازین (بروز مشکل).....
- ۴-۲-۱.....
- ۴-۲-۲ شرارت.....
- ۴-۲-۳ روبه‌رو شدن با یک وضعیت مبهم و پرسش‌انگیز.....
- ۴-۳ انکار یا تردید در مقام معنوی مشایخ و آزدن آنان.....
- ۴-۴ خویشکاری‌های کم‌بسامد در وضعیت آغازین.....
- ۴-۵ - برخورد با یاریگر.....

- ۴-۶- شیء جادو.....
- ۴-۷- واکنش قهرمان.....
- ۴-۸- آزمودن قهرمان یا درخواست انجام کار دشوار.....
- ۴-۹- وضعیت پایانی.....
- ۴-۱۰- خویشکاری‌های کم‌بسامد در حکایت‌ها.....
- ۴-۱۱- خویشکاری‌هایی با معانی دوگانه.....
- جدول عناصر روایی حکایت‌ها.....

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

- نتیجه.....
- منابع و مأخذ.....
- چکیده انگلیسی.....

فصل اول

کلیات

۱-۱) مقدمه:

با توجه به جایگاه و اهمیت داستان و تنوع و گستردگی آن ها در ادبیات ملل گوناگون، همواره یکی از دغدغه های محققان، جمع آوری و طبقه بندی آن ها بوده است. در گذشته داستان ها را بر اساس مضمون یا محتوا یا شخصیت های داستان ها و... طبقه بندی می کرده اند. اما در دهه های اخیر با تحولاتی که در جریان نقد ادبی در آستانه قرن بیستم به وقوع پیوست، به خصوص روی کار آمدن جریان فرمالیسم و به تبع آن اندیشه ها و نقد ساختارگرایانه، که به وجود آورنده موج جدیدی در علوم انسانی و فلسفه و هنر بوده است، توجه به شکل و قالب آثار ادبی و از جمله داستان مورد دقت قرار گرفت. ریخت شناسی محصول همین نگرش های متفاوت به متن است. و پژوهش های ولادیمیر پراپ محقق روسی گام بلندی در جهت تحقق این هدف بوده است. اگر چه کتاب مهم و جریان ساز وی تحت عنوان ریخت شناسی قصه های پریان به دلیل سرکوب فرمالیست ها در ورسیه آن زمان سالها مهجور ماند و بعد از چند از نگارش کتاب، به زبان انگلیسی ترجمه شد و محققان نقد ها و نظر های خود را بر این کتاب نوشتند. وی در این کتاب با بررسی عناصر و اجزای تشکیل دهنده ساختار این قصه ها در جستجوی یافتن ساختار نهایی وراثت بود و نتیجه این که به باور وی در هر قلمرو ادبیات روایی، امکان پژوهش به این شیوه وجود دارد. اصولاً شکل گیری تحلیل روایت یا دانش روایت شناسی در دهه ۱۹۷۰ محصول تلاش های وی در این زمینه بوده است.

۱-۲) اهمیت و ضرورت تحقیق

در نقد ادبی جدید، تحلیل ساختاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ساختارگرایان با بررسی ساختار متن، سعی دارند ارتباط میان اجزاء و نیز ارتباط آن اجزاء با کل متن را دریابند. از نظر محققان، دستیابی به روشی جامع که بتوان قصه ها و حکایات را بر مبنای آن دسته بندی کرد بسیار حائز اهمیت است و روش پراپ در دسته بندی قصه ها حرکتی ابتکاری و نو بوده است. این نوع تحلیل و بررسی در آثار ادبی فارسی، می تواند راهگشای تحقیقات بیشتری در این زمینه باشد و تحلیل حکایت های تذکره الاولیا انحصاراً، زمینه ارزیابی مجدد ویژگی های ساختاری و روایی این اثر گرانقدر را فراهم می کند.

۳-۱) بیان مسأله

نقد ادبی در آغاز قرن بیستم به تحلیل و بررسی فرم و شکل اثر گرایش بیشتری پیدا کرد. منتقدان فرمالیست در این زمینه آرای جدید و تحول‌سازی را ارائه کردند. ساختارگرایی در ادبیات و هنر و فلسفه نیز پی-آمد چنین رویکردی است. در این نقدها و نظریه‌ها نگاه متفاوتی به روایت و ساختار آن شده است. پراپ یکی از این فرمالیست‌ها بود که برای اولین بار در کتاب «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» با طبقه‌بندی انواع قصه، جریان روایت‌شناسی بعد از خود را متحول ساخت. این نوع طبقه‌بندی می‌تواند در انواع قصه و حکایت، کاربرد ویژه خود را داشته باشد و حکایت‌های تذکره‌الاولیا - به عنوان یک متن روایی، عرفانی - می‌تواند محمل خوبی برای این نوع نقد باشد. از این رو در این رساله با تحلیل حکایت‌های برگزیده‌ای از این اثر، به طبقه‌بندی آن حکایات خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد در این حکایات یک طرح کلی از سه الگوی مشخص پیروی میکند:

الف) الگویی که در آن مشکلی پیش می‌آید؛ ب) روبه‌رو شدن با یاریگر؛ ج) حل مشکل

۴-۱) پرسش‌های تحقیق

- آیا الگوهایی که ولادیمیر پراپ در تحلیل ریخت‌شناسی قصه‌های پریان روسی به دست داده است میتواند در بررسی سایر حکایت‌های کلاسیک فارسی، از جمله تذکره‌الاولیا مورد استفاده باشد؟
- در حکایت‌های تذکره‌الاولیا، خویشکاری‌های شخصیت‌های داستانی در چه الگوهایی مطرح می‌شوند و کنش‌ها در ارتباط با تغییر وضعیت‌های داستانی و روند پیشبرد روایت چه نقشی دارند؟
- عطار، در روایت حکایت‌های تذکره‌الاولیا از چه الگوی ثابتی استفاده کرده است؟
- آیا محتوا و مضمون اثر، توانسته است بر ساختار و فرم آن مؤثر باشد و چه ارتباطی میان آنها وجود دارد؟

۵-۱) فرضیه‌های تحقیق

- عطار در روایت حکایات تذکره‌الاولیا از منابع متعددی استفاده کرده است که همین امر موجب شده حکایت‌های این کتاب از ساختار متنوعی برخوردار باشند.
- شرایط اجتماعی و اعتقادات مذهبی و دینی نویسنده و مضمونی به نام «عرفان» در این اثر، تأثیر مستقیم بر شیوه روایت و تحلیل ساختاری و ریخت‌شناسانه آن دارد.
- حکایات تذکره‌الاولیا عمدتاً برشی از یک وضعیت هستند و کوتاهی آنها، درون‌مایه و فکر مسلط بر اثر، امکان وقوع خویشکاری‌های متعدد و نیز فرصت استمرار کنش‌ها را از بین می‌برد.
- تذکره‌الاولیا اثری کلام‌محور است و از آنجا که حکایات غالباً مبتنی بر گفتگوی میان طرفین است، این گفتگوها هستند که در واقع نقش عمل داستانی را برعهده دارند.

۶-۱) پیشینه پژوهش

چنانکه اشاره شد در آغاز قرن بیستم توجه به ظاهر و شکل آثار ادبی در نقد ادبی جایگاه ویژه‌ای یافت. ریخت‌شناسی که ارتباط تنگاتنگی با دستاوردهای مطالعاتی فرمالیست‌های روس و به دنبال آن نگرش ساختارگرایانه نسبت به متون ادبی داشت، چشم‌انداز نوینی را در تحلیل داستان‌ها و شیوه‌های روایت آن پیش روی پژوهشگران قرار داد. سهم عمده در این زمینه از آن ولادیمیر پراپ روسی بوده است. وی با تحلیل ریخت‌شناختی قصه‌های پریان روسی با نگرشی متفاوت به رده‌بندی آنها پرداخت. پراپ، در مطالعات خود به این نتیجه رسید که در همه داستان‌ها و حکایات با شخصیت‌های متنوعی روبه‌رو هستیم که کارهای محدودی را انجام می‌دهند؛ به عنوان مثال یک قصه ممکن است با شرارت آغاز شود اما شریر ممکن مرد یا زن، حیوان و... باشد و بر این اساس در هر داستان عناصر ثابتی وجود دارد که در سایر داستان‌ها نیز وجود دارد و می‌توان آنها را بر این اساس تقسیم‌بندی کرد و روابط شخصیت‌ها را با یکدیگر در نسبت‌های ریاضی قرار داد.

بنابراین بدون ملاحظه محتوای آثار، می‌توان مشابهت‌های ساختاری فراوانی میان حکایت‌ها و قصه‌های ملل گوناگون پیدا کرد.

درباره پیشینه طبقه‌بندی قصه‌ها باید گفت، تحقیق در قصه‌ها و حکایت‌ها نه فقط از جنبه ساختار و شیوه‌های روایی، پیش از پراپ به قرن نوزدهم و از تاریخ انتشار مجموعه عظیم برادران گریم به نام «یاکب و ویلهلم»^۲ (۱۸۱۵-۱۸۱۲) فراتر نمی‌رود. این دو تن بودند که آگاهی را در ذهن جهانیان در مورد ارزش و اهمیت قصه بیدار کردند. آنان مجموعه قصه‌های عامیانه آلمانی را در سال‌های ۱۸۱۴-۱۸۱۲ م. منتشر کردند و سرآغاز تحولات جدیدی در زمینه تحقیق درباره قصه‌ها، گردآوری آنها و نهایتاً تعریف و طبقه‌بندی شدند. یکی از شیوه‌ی طبقه‌بندی قصه‌ها توسط محققان مکتب فنلاندی صورت گرفت که با در نظر گرفتن مقیاس تاریخی-جغرافیایی به دسته‌بندی آنها پرداختند. این کار را نخست «آنتی آرنه»^۳ بر اساس مضمون قصه‌ها انجام داد و بعدها «استیث تامسون»^۴ در صدد تکمیل این فهرست برآمد و فهرست آرنه-تامسون را پدید آورد.

«اولریش مارزلف»^۵ نیز در کتاب «طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی» طبق فهرست آرنه-تامسون، قصه‌های عامیانه ایرانی را در هفتاد و هفت تیپ دسته‌بندی کرد و با در نظر گرفتن تیپ‌های فرعی دویست و بیست و هشت تیپ در قصه‌های ایرانی یافت. (مارزلف، ۱۳۷۱: ۳۰)

کتاب مهم دیگر در زمینه ریخت‌شناسی، «ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی» اثر «پگاه خدیش» است. نویسنده در این کتاب صد افسانه جادویی را بر اساس سی و یک کارکرد پیشنهادی پراپ تجزیه و تحلیل کرده و الگوهای آنها را استخراج نموده است. خدیش نیز در تحلیل قصه‌ها به عدم ضرورت وجود سی و یک کارکرد اشاره کرده است و درصدد کاهش آنها - بی آن که به ساختار روایت خدشه‌ای وارد شود- بر آمده است.

در اینجا بهتر است به کتاب قابل توجه بابک احمدی تحت عنوان «چهار گزارش از تذکره‌الاولیا» نیز اشاره شود که تحلیلی است از ساختار روایت این اثر بر مبنای درونمایه «مکاشفه حقیقت یا ایمان آوردن».

^۱-Jacob Ludwig carl and Wilhelm carl Grimm

^۲-Antti Aarne

^۳-Stith Thompson

^۴-Ulrich Marzolph

همچنین می‌توان به کتاب «تحلیل ساختاری منطق‌الطیر» که اکبر اخلاقی به رشته تحریر در آورده است اشاره کرد که در آن، پس از مروری اجمالی بر مبانی نظری ساختارگرایی، متن را براساس ویژگی‌های دستوری، واژگانی و پیوندی مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

۷-۱) روش تحقیق

این پژوهش بر اساس روش ولادیمیر پراپ در بررسی ریخت‌شناختی قصه‌ها و نیز به روش کتابخانه‌ای، به تحلیل عناصر ساختاری صد حکایت از کتاب تذکره‌الاولیا پرداخته است. در گزینش این حکایت‌ها اولویت با حکایاتی بوده است که از حداکثر عناصر و خویشکاری‌ها برخوردار بوده‌اند. این حکایات از کل کتاب انتخاب شده است و از انتخاب حکایت‌ها از بخش‌های الحاقی کتاب خودداری کرده‌ایم.

فصل دوم

مبانی نظری پژوهش

پیشگفتار: تاریخچه مسأله (ادبیات و نقد ادبی)

سخن درباره ادبیات به قدمت خود ادبیات است. و از زمان نخستین آثار ادبی، داوری و واکنش آگاهانه نسبت به آنها وجود داشته است. همواره دو گونه سخن درباره ادبیات مطرح بوده است: یکی نقد و تفسیر و دیگری نظریه. در نقد و تفسیر ما به توضیح و شرح یک اثر ادبی می‌پردازیم. «در فرهنگ اصطلاحات ادبی درباره نقد ادبی آمده است: نقد ادبی تعریف، توصیف، طبقه‌بندی، شرح و ارزیابی آثار ادبی است.» (شایگانفر، ۱۳۸۴: ۱۷)؛ در حالی که در نظریه ادبی هدف، مطالعه و بررسی ماهیت ادبیات و جستجو در ماهیت و قوانین آن است. با وجود این، نقد و نظریه ادبی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ چراکه هر نظریه ادبی اساساً مبتنی بر مطالعه خود متن است و نقدی را در پی خواهد داشت؛ همچنانکه هر منتقد با نقد یک اثر نظریه دیگری را، اگرچه به طور ناخودآگاه، بیان می‌کند. اصولاً نظریه در هر علمی به مطالعات منتقد و پژوهشگر جهت داده، آنها را در مسیری واحد، به گونه‌ای هماهنگ و منسجم هدایت می‌کند.

نظریه‌های ادبی گوناگون را می‌توان از زاویه پرسش‌های متفاوتی که درباره ادبیات طرح می‌کنند مورد تأمل قرار داد. نظریه «ارتباط زبانی» یاکوبسن^۱ به تفکیک این دیدگاه‌های گوناگون کمک بسیاری کرد. بر اساس این نظریه که وی آن را در رساله «زبان‌شناسی و نظریه ادبی» ارائه داد، هر الگوی ارتباطی دارای سه اصل است: فرستنده، پیام و گیرنده. در یک متن ادبی نیز این سه اصل به مؤلف، متن ادبی و خواننده تبدیل می‌شود که در هر دوره‌ای باتوجه به زمینه‌ها و بافت فرهنگی و اجتماعی و ... ممکن است یکی از این اصول در تحلیل و نقد متون ادبی در کانون توجه قرار گیرد. در کتاب «راهنمای نظریه ادبی معاصر» نویسنده بعضی از نظریه‌های ادبی روزگار خود را به رمانتیک-اومانستی، مارکسیستی، فرمالیستی، ساختگرا و نظریه‌های معطوف به خواننده

^۱ -Roman Jakobson(۱۸۹۶-۱۹۸۲م)

دسته‌بندی می‌کند و تأکید می‌کند که هیچ‌یک از این رهیافت‌ها در بهترین صورت خود ابعاد دیگر ارتباط ادبی را نادیده نمی‌گیرد. (سلدن، ۱۳۸۴: ۱۷).

نظریهٔ رماتیک-اومانستی در تحلیل اثر ادبی، نویسنده و زندگی وی را مبنای پژوهش قرار می‌دهد. در نظریات مارکسیستی همان‌گونه که از نامش پیداست ملاحظات تاریخی و اجتماعی و اقتصادی دربارهٔ یک اثر مورد توجه قرار می‌گیرد. فرمالیست‌ها به شکل اثر و خود متن توجه داشتند و «فرامتن» را به یک سوی می‌نهادند. در نظریه‌های ادبی اخیر نیز تأکید بر دریافت خواننده از متن است. از این رو آغوش متن ادبی به روی دریافت‌ها و در نتیجه معناهای گوناگون خوانندگان گشوده است و نظریهٔ معطوف به خواننده نیز مبتنی بر دیدگاه فلسفی پدیدارشناسی است. «از دیدگاه هوسرل^۷ پایه‌گذار این فلسفه [پدیدارشناسی]، هدف صحیح بررسی فلسفی نه عینیات موجود در جهان بلکه محتوای آگاهی ماست... ما واقعیت‌ها را نه آنچنان که در خود هستند بلکه آنچنان که برای ما هستند می‌شناسیم و هرگونه آگاهی و شناختی به هر روی آغشته به ذهنیت است و معرفت عینی ناب، پنداری بیش نیست...» (اخلاقی، ۱۳۷۷: ۱۷).

همانطور که در سطور فوق اشاره شد، فرمالیسم بیش از هر چیز به متن توجه دارد و همین توجه به متن کسانی مانند ولادیمیر پراپ را بر آن داشت که بر مبنای همین شکل و قالب، مطالعات ریخت‌شناختی خود را بنا نهند.

در این فصل، مبنای نظری تحقیق خود را در دو بخش تبیین خواهیم کرد؛ بخش اول کلیاتی درباب ادبیات داستانی شامل تعاریفی از قصه، داستان، حکایت و داستان کوتاه است تا زمینهٔ اثر تحقیقی مورد نظر، یعنی تذکره‌الاولیا، روشن‌تر باشد. در بخش دیگر نظریات ریخت‌شناسی پراپ مورد بررسی قرار می‌گیرد که برای این امر، به پیشینه‌ای دربارهٔ فرمالیسم روسی، که با نظریات زبانشناس سوئدی فردینان دوسوسور^۸، به مکتب ساختارگرایی پیوند می‌خورد نیاز خواهیم داشت و در ادامه تبعات این گرایش به صورت و ساختار رادر نظریه‌های روایت‌شناسان مشهور غربی نشان خواهیم داد.

^۷-Husserl Edmund(۱۸۵۹-۱۹۳۸م)

^۸-Ferdinand de Saussure(۱۸۵۷-۱۹۱۳م)

بخش اول: ادبیات داستانی

قصه و داستان و به طور کلی ادبیات و هنر از دیر باز توجه انسان را به خود جلب کرده است و انسان‌ها به مدد آن، نیازهای معنوی خویش را برآورده می‌ساختند و تخیلات و زندگی‌های نزیسته خویش را در دنیای قصه جستجو می‌کردند و از آن به عنوان مأمن و ملجائی سود می‌جستند. از این نظر هنر و ادبیات کارکردی شبیه به مذهب دارد. در کتاب ادبیات و بازتاب آن دربارهٔ علت تمسک انسان به این دو مقوله آمده است: «... مذهب برای آن که انسان در تنهایی و بی‌پناهی در مأمن لطف خدا پناه بجوید و ادبیات برای آن که قوه تخیل او در هر شیئی دنیایی مرموز می‌بیند که می‌خواهد آن را به تسخیر خود دریاورد.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۵). جلال ستاری نیز در کتاب «رمز و مثل در روانکاوی» باتوجه به افکار و نظریات فروید می‌نویسد: «ما طبیعتاً به این نظر رسیده‌ایم که در جهان ادب و هنر باید جویای چیزی باشیم که در زندگی واقعی ناگزیر از آن محروم می‌مانیم یا آن را بر خود منع می‌کنیم.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۵).

انسان‌های اولیه به دلیل سر و کار داشتن بسیار با طبیعت و حوادث شگفت و پرفراز و نشیب آن از قبیل شکار، نخستین قصه‌گویان قلمداد شده‌اند. بدین ترتیب داستان و قصه همواره جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان بوده و جایگاه قصه‌گویان و تصنیف‌کنندگان داستان‌ها همواره در جامعه محفوظ بوده است.

میرصادقی با تعبیری رسا دربارهٔ مبدا پیدایش انواع داستان می‌نویسد: «ادبیات مثل آیین‌های چند بعدی است که در برابر انسان، تحولات و دگرگونی‌های انسان در این آینه بازتاب می‌یابد. با تغییر انسان، تصویر او نیز در آینه تغییر پیدا می‌کند و داستان که زادهٔ حوادث و واقعیت‌های زندگی اوست نیز دگرگون می‌شود و از اینجاست که انواع داستان از دیرباز تاکنون به وجود آمده است.» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۳۱)

در گذشته مرز دقیقی میان تعاریف داستان، قصه، حکایت و ... وجود نداشته است و تا امروز نیز این مسأله به قوت خود باقی است و دلایل گوناگونی برای آن می‌توان برشمرد؛ از جمله این که صاحب‌نظران حداقل در کشور ما و درباره آثار ادبی ما در طبقه‌بندی انواع داستان بعضاً یک عامل را در نظر گرفته‌اند. در حالی که آثار ادبی بزرگ ما از قبیل شاهنامه و... دارای ابعاد متنوعی هستند. به عنوان مثال در کتاب «قصه‌نویسی» با مبنا قرارگرفتن «تاریخ» در تقسیم‌بندی انواع داستان آمده است:

«تمام داستان‌های قبل از مشروطیت در ایران و دوران قبل از قرن هجدهم در اروپا (به استثنای داستان‌های رابله و سروانتس) را حکایت بنامیم؛ به دلیل تفننی بودنشان؛ به دلیل آن که رفتاری هنرمندانه با مصالح اولیه داستان که عبارت است از حوادث، اعمال و افکار و قهرمان‌ها و موقعیت زبانی آنها باشد نشده است و به دلیل آن که اگر حتی زندگی به شکلی از اشکال در صورت داستان تقلید شده باشد الگویی که از بینش عمیق قصه‌نویس سرچشمه می‌گیرد بر آن حاکم نیست.» (براهنی، ۱۳۶۲: ۴۰)

این مسأله یعنی کارآمد نبودن تقسیم‌بندی‌ها صرفاً بر اساس محتوا، یا سبک، و سایر عناصر دیگر درباره تذکره‌الاولیا هم مصداق دارد. اما پیش از تعریف حکایت، نظری بر تعاریف قصه و داستان و انواع و خصوصیات آنها می‌افکنیم.

۱-۱) قصه

میرصادقی در کتاب «داستان و ادبیات»، قصه را این‌گونه تعریف می‌کند: «معمولاً به آثار خلاقه‌ای که در آنها تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیشتر از تحول و تکوین شخصیت‌ها و آدم‌هاست قصه می‌گویند ... در حقیقت حوادث، قصه را به وجود می‌آورند و رکن بنیادی آنها را تشکیل می‌دهند.» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

قصه اساساً کلمه‌ای عربی است. در قرآن کریم خداوند درباره روایت‌هایی که از سرگذشت پیشینیان نقل می‌فرماید، فعل «قص» را به کار می‌برد. «قصه در لغت از ماده قص یقص به معنای دنبال کردن چیزی است. این معنا بتدریج بر کسی اطلاق شده است که دنبال گذشته و اخبار پیشینیان رفته و از وی با تعبیر قاص یا قصه-خوان یاد شده است. بتدریج معنای لغوی قصه و قصه‌گو اندکی تغییر یافته و به کسی که اخبار گذشته را نقل می‌کند یا حتی مطلبی را تعریف و بیان می‌کند قاص اطلاق می‌شود.» (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۹).